

## متن پرسش

دروغ هایی که اهل من ذهنی [کان و مکان و کمیت] می‌گویند و مولانا که اهل حضور [فرا کان و فرا مکان] است، برملا می‌کند. گویند شاه عشق ندارد وفا، دروغ گویند صبح نبود شام تو را، دروغ دروغ زمان زده ها Historicism گویند بهر عشق تو خود را چه می‌کشی بعد از فنای جسم نباشد بقا دروغ دروغ مرگ زده ها Epicureanism گویند اشک چشم تو در عشق بیهده‌ست چون چشم بسته گشت نباشد لقا دروغ دروغ عیش زده ها/عیاشان بی‌عاشق Hedonisme گویند چون ز دور زمانه برون شدیم زان سو روان نباشد این جان ما دروغ دروغ فرگشت/تکامل زده ها Evolutionnism گویند آن کسان که نرسند از خیال جمله خیال بد قصص انبیا دروغ دروغ خیال زده ها Fantasyism گویند آن کسان که نرفتند راه راست ره نیست بنده را به جناب خدا دروغ دروغ پوچی زده ها nihilism گویند رازدان دل اسرار و راز غیب بی‌واسطه نگوید مر بنده را دروغ دروغ ابزار زده ها Instrumentalism گویند بنده را نگشایند راز دل وز لطف بنده را نبرد بر سما دروغ دروغ فکر زده ها Subjectivism گویند آن کسی که بود در سرشت خاک با اهل آسمان نشود آشنا دروغ دروغ قشر زده ها Social class گویند جان پاک از این آشیان خاک با پر عشق برنبرد بر هوا دروغ دروغ ماده زده ها Materialism گویند ذره ذره بد و نیک خلق را آن آفتاب حق نرساند جزا دروغ دروغ اجتماع زده ها Communitarianism خاموش کن ز گفت و گر گویدت کسی جز حرف و صوت نیست سخن را ادا دروغ دروغ عمل زده ها Pragmatisme

## متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: متوجه مقصد و مقصود جنابعالی نشدم. موفق باشید